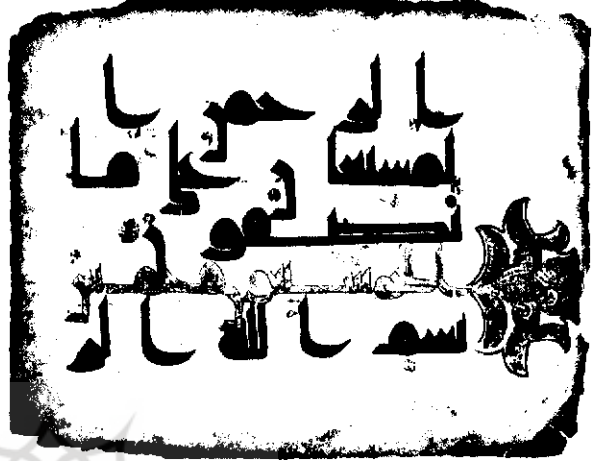


ملا صالح قزوینی شارح بزرگ «نهج البلاغه»



محمد رضا بندرچی*

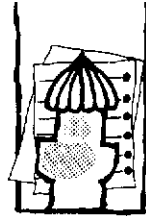
مهم علمی آن دوران و شاید مهم ترین شهر علمی جهان شیعه بود، رحل اقامت افکنده است.^۱ به گفته مؤلف ریحانه الأدب، از مقدمه کتاب ترجمه صحیفه سجادیه وی بر می آید که از شاگردان حکیم الهی، سید برهان الدین محمد باقر (معروف به میرداماد) است؛^۲ زیرا در

محمد صالح بن محمد باقر قزوینی، معروف به «روغنی» و متخلص به «فقیر»، از علما و فضیلا مشهور عصر صفوی است و ظاهراً در عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی می زیسته است. سال تولدش معلوم نیست و در کتب شرح حالی که احوال وی را نگاشته اند، اشاره ای بدان نشده؛ ولی محلّ ولادتش قزوین است و ظاهراً در همان محل، مقدمات علوم روز را نزد بزرگان آن دیار، فرا گرفته و سپس جهت ادامه تحصیل و کسب علوم، به پایتخت آن روزگار، یعنی اصفهان که از مراکز

* عضو هیئت علمی دانشگاه اسلامی کار.

۱. مستدرکات اعیان الشیعة، حسن الامین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ج ۳، ص ۲۳۱، اوّل.

۲. ریحانه الأدب، محمد علی مدرّس تبریزی، تهران: کتابفروشی خیام، ج ۱-۲، ص ۳۴۳، سوم.



مقدمه مذکور می نویسد:

این شرح، بر فواید خوب محتوی است و البته از افادات سید استاد، میرمحمد باقر داماد، خالی نیست. از کتاب شرح مثنوی ملا صالح نیز بر می آید که او مدت مدیدی در اصفهان به سر برده است؛ ولی بعدها مجدداً به زادگاه خویش، قزوین، بازگشته و در سال ۱۰۴۲ق، در مدرسه نواب، نزد شیخ محمد طالقانی به فراگیری دروس عالی پرداخته است. ۳ او در سال ۱۰۷۵ق، به مشهد مقدس رضوی مهاجرت نموده و به قصد اقامت دائم، در آن دیار، توطن اختیار کرده است.

به طوری که از آخر کتاب برکات المشهد المقدس وی که در شهر مشهد تألیف نموده، بر می آید، با خود عهد کرده که تا آخر عمرش از آن شهر، خارج نشود. لذا تا آخر عمر نیز در آن جا مانده و در همان شهر، مدفون شده است. ۴ البته آن گونه که از نسخه ای از کنوز العرفان بر می آید، مدتی نیز در شهر قندهار، سکونت کرده که ظاهراً از روی اجبار بوده است؛ زیرا از اقامت در آن محل،



ابراز نارضایتی نموده و شرح مثنوی خود را نیز در آن شهر، تصنیف کرده است. روغنی، همان گونه که گفته شد، از علمای مشهور عصر صفوی است و در علوم ادبی و حکمت و عرفان، متبحر بوده است. با توجه به نحوه نگارش شرح حال وی در کتاب امل الأمل، مشخص می شود که از معاصران مرحوم شیخ حرّ عاملی^۵ بوده و نیز با مجلسی پدر و پسر، هم عصر بوده است. ۶

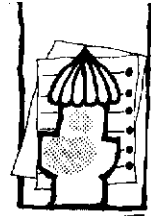
از آثار به جای مانده از وی - که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت -، بر می آید که تسلط وی بر علوم ادبی، حکمی، عرفان و تاریخ، بسیار بوده است. او این فضل و تبخر خود را در جای جای تألیفات خود، نشان داده است. تمامی آثار وی، جز شرح عربی صحیفه، به زبان پارسی و محور آن نیز

۳. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۳۱.

۴. همان جا.

۵. امل الأمل، الحرّ العاملی، تحقیق: سید احمد حسینی، بغداد: مکتبه اندلس، ج ۲، ص ۲۷۷.

۶. ریحانه الادب، ج ۱-۲، ص ۳۴۳.



هم به «روغنی» موسوم اند که مشخص نیست آیا به ملاً صالح منسوب اند یا خیر؟

آثار ملاً صالح

آثار به جای مانده از وی، به شرح زیر است:

۱. برکات المشهد المقدس

این کتاب، ترجمه فارسی کتاب شریف عیون الأخبار شیخ صدوق است و در سال ۱۰۷۵ ق، نگارش یافته و ترجمه ای لطیف و رساست. ملاً صالح، دیباچه ای نیز از خویش بدان افزوده است. نویسنده، این کتاب را به هنگام اقامت خویش در مشهد مقدس، تصنیف نموده و بدین جهت، آن را برکات المشهد المقدس، نام نهاده است. مرحوم آقا بزرگ تهرانی می گوید:

نویسنده در آخر کتاب، با خویش عهد کرده که در تمام عمرش از آن شهر خارج نشود، و نسخه ای از آن، در کتاب خانه مدرسه سپهسالار، موجود است.^۹

۷. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۳۱.

۸. همان جا.

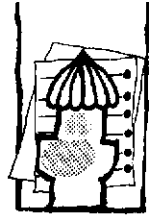
۹. الذریعة، ج ۳، ص ۸۸.

علوم و معارف اسلامی است و ظاهراً قصد وی از فارسی نویسی - که تا آن زمان معمول نبوده -، هدایت عامه مردم بوده است و این، هر چه بیشتر بر عظمت شخصیت و تدین، مردمداری وی دلالت دارد. از بررسی آثار وی می توان او را از مترجمان چیره دست عصر صفوی دانست.

در هیچ یک از کتب شرح حال، به سال وفات ملاً صالح اشاره ای نشده است؛ ولی به طوری که نویسنده شرح حال وی در مستدرکات اعیان الشیعة بیان کرده، در پشت کتاب حکمت اسلام که نزد وی موجود است، یکی از شاگردان ملاً صالح، به خط خویش، سال وفاتش را ۱۱۱۶ ق، در مشهد مقدس، ذکر نموده است.^۷

ملاً کریم روغنی (م ۱۲۸۳ ق)، که در دوره قاجاریه می زیسته، یکی از نوادگان ملاً صالح است که مرحوم اعتماد السلطنه، در المآثر و الآثار، زندگی وی را مورد بررسی قرار داده و او را از علمای معروف قزوین می شمارد و امروزه، خاندان وی در قزوین، به «ارجمندی» مشهور هستند.^۸ البته در این شهر، خانواده هایی





۲. ترجمه صحیفه سجّادیه

چنان که از فهرست کتاب خانه آستان قدس بر می آید و طبق آنچه از دیباجه ترجمه صحیفه سجّادیه مستفاد می شود، وی سه شرح بر صحیفه کامله نوشته است: شرح نخست او به عربی بود که آن را در سال ۱۰۷۳ ق، تالیف کرد و چون برای عموم مورد استفاده نبود، شرحی دیگر به فارسی تالیف نمود. این شرح نیز چون لغات عربی فراوانی در آن به کار رفته بود، مقبول عامه نیفتاد. لذا شرح سومی را به فارسی روان انشا کرد که مورد توجه واقع شد.^{۱۰} شیخ آقا بزرگ می نویسد که نسخه ای از این شرح سوم را نزد شیخ زین العابدین مهربانی سرابی (م ۱۳۵۶ ق) دیده است که این گونه آغاز شده بوده: «الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله».^{۱۱}

ملاصالح در مقدمه این ترجمه می نویسد:

پیش از این، کسی به ترجمه فارسی صحیفه سجّادیه مبادرت ننموده بود، بجز شیخ الاسلام مولانا بدیع الزمان قهبایی. این شرح، بر

فوائد خوب محتوی است و البته از افادات سید استاد، میرمحمد باقر داماد، خالی نیست.^{۱۲}

۳. ترجمه عهدنامه مالک اشتر

این ترجمه، چنین شروع می شود:

سپاس و ثنا خداوندی را رواست که ذاتش از وصمت فنا و زوال، معری است.

شیخ آقا بزرگ، آن را شرحی بر عهدنامه مالک شمرده و گفته که نسخه ای از آن، در کتاب خانه مدرسه سپهسالار، موجود است. در فهرست کتاب خانه مزبور آمده است که در نسخه متعلق به حاج محتشم السلطنه اسفندیاری، بیتی ذکر شده که مصرع دوم آن، بنا به حساب جمل، سال ۱۰۹۴ می شود که چه بسا تاریخ تالیف این اثر باشد و گویا روغنی آن را از شرح فارسی اش بر نهج البلاغه

۱۰. مینودر یا باب الجنة قزوین، محمد علی

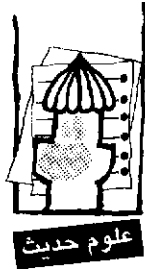
گلریز، قزوین: انتشارات طه، ۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص ۱۹۲، اول.

۱۱. الدرریة، ج ۴، ص ۱۱۲.

۱۲. مینودر، ج ۲، ص ۱۹۹. نسخه ای عکسی

از این اثر، نزد نگارنده موجود است.





احتمال دارد به خط مؤلف باشد. ۱۵

۶. شرح دعای سمات

این کتاب، به فارسی است و صاحب الذریعة می گوید که آن را نزد شیخ مرتضی رشتی دیده است. ۱۶

۷. مقامات

به گفته شیخ آقا بزرگ، نسخه ای از این کتاب، در کتاب خانه تقوی موجود است. ۱۷

۸. اکل آدم من الشجرة^{۱۸}

۹. رساله ای در احکام و شرایط دعا^{۱۹}

۱۰. رساله ای در جواب رجل مرتد^{۲۰}

۱۱. منشور ادب الهی و دستور العمل کارآگاهی

این اثر، شرحی مبسوط به فارسی بر

۱۳. همان، ص ۱۳۴.

۱۴. همان.

۱۵. فهرست کتب خطی کتاب خانه مدرسه

سپهسالار، ص ۲۲۳، ج ۲، ص ۱۹۲.

۱۶. الذریعة، ج ۱۳، ص ۲۵۰ نسخه ای عکسی از این اثر، نزد نگارنده موجود است.

۱۷. الذریعة، ج ۲۲، ص ۸.

۱۸. امل الأمل، ج ۲، ص ۲۷۷.

۱۹. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲۰. همان جا.

انتخاب کرده و با اندک تصرفی در آن، اثری مستقل آفریده است. ۱۳

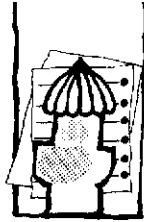
۴. ترجمه «محاضرات الأدباء»

این اثر، ترجمه حدّ اوّل تا حدّ دوازدهم المحاضرات راغب اصفهانی است که مشتمل بر لطایف و حکایات و امثال فراوان است و به فارسی شیوایی نگاشته شده است. به گفته مرحوم آقا بزرگ، نسخه ای از آن در کتاب خانه آستان قدس رضوی و جز موقوفات نادرشاه افشار، وجود دارد. ۱۴ این کتاب، در سال ۱۳۷۲ ش، به کوشش آقای احمد مجاهد و توسط انتشارات سروش با نام نوادر، که نام اصلی کتاب [نسخه ترجمه] است، در شکلی زیبا و متین، به چاپ رسیده است.

۵. ترجمه «توحید مفضل»

ملاصالح، این کتاب را برای شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و سال فراغتش از آن، صفر ۱۰۸۰ است و نسخه ای از آن، نزد آیه الله حاج سید رضا زنجانی موجود است. نسخه دیگری نیز متعلق به کتاب خانه مدرسه سپهسالار است که به دلیل کهنگی،





وصیّت نامه حضرت امیر(ع) به فرزندش امام حسن(ع) است. ظاهر آروغنی، این وصیّت نامه را در شرح خویش بر نهج البلاغه ذکر کرده، ولی آن را به طور مفصّل و جداگانه، شرح نموده و نامش را منشور ادب الهی و دستور العمل کارآگاهی گذارده است.^{۲۱}

عبارت وی درباره شرح وصیّت مذکور، چنین است:

و از این پیش، این وصیّت نامه را شرحی کرده بودم مبسوط، مشتمل بر افادات خوب و فواید مرغوب، تا رساله ای باشد برآسه، در باب خود جامع و عدیم المثل، مسمّا به منشور ادب الهی و دستور العمل کارآگاهی. آن را به اندک تخفیف، در این جا داخل کردیم.^{۲۲}

۱۲. حکمت اسلام

این کتاب، ترجمه و شرح گزیده ای از کلمات قصار حضرت امیر(ع) است که از کتاب شریف غرر الحکم و درر الکلم آمدی انتخاب شده است. مؤلف، در این کتاب، با ذکر هر یک از کلمات قصار انتخاب شده، به ترجمه و سپس شرح آن

پرداخته و با ذکر اشعار، امثال، حکایات و نکات لطیف و زیبا، به خوبی از عهده کار برآمده است. این کتاب، در سال ۱۳۵۴ ش، به همت محقق دانشمند محدث ارموی، توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به گونه ای محققانه به چاپ رسیده است.

۱۳. رساله در امامت^{۲۳}

۱۴. محاکمه میان فقیر و غنی یا فقر و غنا^{۲۴}

۱۵. رساله در جواب مرد بد اعتقاد

این رساله، در آخر باب اوّل نسخه خطی ترجمه توحید مفضّل، آمده است.

۱۶. ترجمه مناجات حضرت امیر(ع)

۱۷. کنوز العرفان و رموز اصحاب الإیقان

این کتاب، در شرح ایبات مشنوی مولوی است که تنها شرح دفتر چهارم آن در دست است که در زیر به توضیحی درباره آن می پردازیم.

۲۱. حکمت اسلام، ملاصالح قزوینی، به

اهتمام: جلال الدین محدث ارموی،

تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۵۴ ش، ص ۱۲.

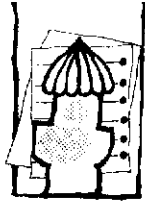
۲۲. همان جا.

۲۲. الذریعة، ج ۲، ص ۳۲۷.

۲۴. شرح نهج البلاغه، ملاصالح قزوینی،

ج ۳، ص ۱۲۰-۱۲۱.





که در مستدرکات اعیان الشیعة، در ذیل زندگی نامه ملاصالح، به شمارش آثار باقی مانده از وی پرداخته، تنها از این اثر به ذکر «شرح اشعار المثنوی» اکتفا نموده است. این در حالی است که نویسنده این بخش، مدعی وجود همه آثار شمارش شده (از جمله شرح مثنوی یاد شده) در نزد خود شده است،^{۲۹} در حالی که نام اصلی کتاب و مشخصات آن را به هیچ وجه، ذکر نکرده است.

شیخ حرّ عاملی که هم عصر مؤلف بوده، در مجموعه آثاری که به ملاصالح نسبت داده شده، از کتابی به نام «شرح بعض اشعار المثنوی الرومی» نام برده است؛ ولی متأسفانه هیچ مشخصه دیگری از آن به دست نداده است^{۳۰} و ظاهراً همه مؤلفان پس از شیخ حرّ عاملی، نسبت دادن اثری در شرح مثنوی به ملاصالح را از وی اخذ کرده اند. بدین

در میان فهرست تألیفات مرحوم ملاصالح روغنی، از نوشته ای به نام «شرح المثنوی»^{۲۵} یا «شرح اشعار مثنوی رومی»^{۲۶} نام برده شده که با توجه به عدم ذکر مشخصات آن در کتابشناسی ها می توان قاطعانه گفت که چنین کتابی، لااقل در دسترس فهرست نویسان نبوده است. لذا تنها به ذکر نام و موضوع آن، اکتفا کرده اند. نگارنده نیز با توجه به جالب بودن موضوع کتاب و نیز مربوط بودن آن به منطقه قزوین، مدت ها به دنبال آن بود؛ ولی نشانی از آن نیافت، به طوری که اهل فن نیز از وجود آن، اظهار بی اطلاعی می کردند. در الذریعة - که مهم ترین منبع کتابشناسی شیعه به شمار می رود-، آمده است:

[شرح المثنوی] للمولی محمد صالح بن محمد باقر الروغنی القزوینی، معاصر المحدث الحرّ و هو شرح بعض أشعاره.^{۲۷}

مرحوم مدرّس تبریزی، ضمن نگارش احوال مؤلف مزبور، یکی از آثار وی را «شرح اشعار مثنوی رومی» برشمرده و گفته که بعضی از اشعار مشککش را شرح کرده است.^{۲۸} استاد حسن امین نیز

۲۵. الذریعة، ج ۱۴، ص ۵۴.

۲۶. ریحانة الادب، ج ۱-۲، ص ۳۴۳.

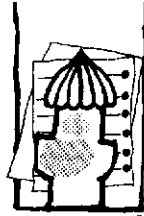
۲۷. الذریعة، ج ۱۳، ص ۵۴.

۲۸. ریحانة الادب، ج ۱-۲، ص ۳۴۳.

۲۹. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۳۱.

۳۰. امل الامل، ج ۲، ص ۲۷۷.





ترتیب، امکان اظهار نظر در وجود داشتن یا از بین رفتن نسخه آن وجود نداشت تا این که نگارنده، ضمن بررسی کتب خطی مدرسه علمیّه امام صادق قزوین، به نسخه ای با عنوان کنوز العرفان و رموز اصحاب الإیقان برخورد. با توجه به سابقه ای که از تألیفات ملا صالح در دست بود، احتمال داده شد که این نسخه، همان شرح مثنوی وی باشد.

با بررسی های بعدی، این امر به اثبات رسید؛ اما متأسفانه این نسخه، تنها شامل شرح دفتر چهارم مثنوی است. ظاهراً شارح، تمام چهار دفتر مثنوی را شرح کرده است؛ زیرا بعید است که از دفتر چهارم اقدام به این کار کرده باشد.

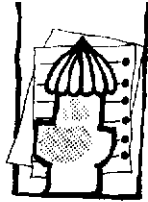
نیز در طی این اثر، اشاره ای به شروع از دفتر چهارم ننموده. لذا این حدس، تقویت می شود که وی سه دفتر پیشین را هم شرح نموده است. این نسخه که فعلاً منحصر به فرد است، به خط مؤلف و ظاهراً مسوده کتاب است؛ زیرا قلم خوردگی های متعدد و نیز اضافاتی که در اطراف و حواشی نسخه مشاهده می شود، بیان کننده این است که مؤلف، قصد پاکنویس کردن آن را داشته که شاید هم

انجام داده؛ ولی در دسترس نیست. این نسخه، در قطع خشتی و در ۱۳۷ صفحه تنظیم شده و پس از پایان شرح دفتر چهارم، به شرح دفتر پنجم اقدام نموده که دو صفحه آن نیز به نگارش درآمده؛ ولی به دلایلی نامشخص، ناتمام مانده است و چه بسا از شرح دفاتر پنجم و ششم، بازمانده باشد.

آن گونه که از متن کتاب بر می آید، نویسنده اقدام به شرح تمام ابیات دفاتر مثنوی ننموده؛ بلکه بنا به سلیقه خود، اقدام به گزینش پاره ای از ابیات کرده و در ذیل آنها اقدام به شرح نموده است. بدین جهت است که اکثر شرح حال نگاران نیز کتاب وی را حاوی شرح بعضی از اشعار مثنوی دانسته اند نه تمام آن.

مؤلف، در شیوه نگارش خویش که ظاهراً باید از نثر مصنوع و خشک دوره صفوی تقلید کند، از سبکی ساده و روان استفاده کرده و با دقتی خاص، به توضیح معانی لغوی، تاریخی، نکات روایی و بعضاً عرفانی اشعار پرداخته و اگر مختصر خلجانی در نثر وی مشاهده می گردد، ناشی از مسوده بودن نسخه است؛ زیرا او تبحرش را در نگارش فارسی روان، در





ملاّصالح، با نگارش شرحی معتدل که جنبه افراط و تفریط بر آن غلبه ندارد، به خوبی از عهده شرحی متین و شیوا برآمده است. ظاهراً شارح، به هنگام انشای این اثر، در نهایت افسردگی و غمگینی بوده و به دوری از عزیزان و سر و همسر، مبتلا شده بوده است، به طوری که در جای جای آن از بی وفایی دنیا و بی ارزشی و مصایب آن، سخن گفته است. لذا می توان آن را محصول درد و غم دانست؛ ولی افسوس که تنها به یک دفتر آن دسترس پیدا شده است.

۱۸. شرح نهج البلاغه

این اثر، مهم ترین و بزرگ ترین اثر به جای مانده از مؤلف است و به گفته کتابشناس بزرگ، آقا بزرگ تهرانی، از سودمندترین و مفیدترین شروح نهج البلاغه است.^{۳۱}

شرح فارسی ملاّصالح قزوینی، بر تمامی کتاب شریف نهج البلاغه حضرت علی(ع) است. در عین حال، او علی رغم عظمت و بزرگی کار خویش، با شکسته، آن را ترجمه نهج البلاغه نامیده، در حالی

۳۱. الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۲۸.

آثاری مانند شرح نهج البلاغه و شرح صحیفه، به اثبات رسانده است. به طوری که مؤلف بیان کرده، نگارش این متن، در قندهار انجام یافته است، چنان که می گوید:

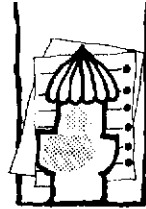
از عجایب آن که در چنین وقت، خاک قندهار، مرا به سوی خویش کشیده و از خویش و پیوندم بریده است...

همچنین شرح خویش را بی نظیر دانسته، دیگران را به تحدی فرامی خواند و می گوید:

فقییر، حدّ آن ندارم و اگر [نه] من نیز می گفتم با مدّعیان که اگر در بیان مثنوی و حلّ اسرار و کشف گفتار مولوی از این بهتر می توانید، بیاورید.

البته اگر از حق نگذریم، شرح او بسیار عالی است؛ زیرا اگرچه بر مثنوی مولانا که به قول شیخ بهایی چون قرآن مدلّ است، شروح و تفاسیر متعددی نوشته شده، ولی هر یک از شارحان، یک جنبه از آن و اکثراً بعد عرفانی آن را مدّ نظر قرار داده اند و چه بسا از مقصود صاحب مثنوی نیز به دور افتاده اند؛ اما





که شرحی جامع و سودمند است. آقا بزرگ در ادامه می گوید:

شرح مذکور، به همراه متن نهج البلاغه است؛ بدین صورت که متن، با رنگ سرخ، و شرح آن به رنگ سیاه، نوشته شده است. جلد اول آن را که تا آخر «خطبه قاصعه» است، در کتابخانه سادات آل خراسان، در نجف اشرف مشاهده نمودم که اولش با «الحمد لله علی ما اولینا من نعمائه» شروع شده و تاریخ نگارش آن، ۱۲۳۷ق، بود. نسخه ای دیگر از آن را در کتابخانه ملامحمد خوانساری و نسخه ای دیگر را نیز در کتابخانه مدرسه سپهسالار که تاریخ آن ۱۰۸۸ بود، دیده ام و نسخ دیگری نیز در صفحه ۳۶ جلد دوم فهرست کتابخانه، ذکر شده است. از این کتاب، در سال ۱۳۲۱ق، چاپی نیکو شده و همراه با مقدمه میرزا علی ادیب که مباشر طبع آن بوده، منتشر شده است و در آخرش نیز پنج قصیده از سروده های وی که در مدح حضرت

امیر(ع) است، الحاق شده است. در این چاپ، متن، درون پرانتز قرار گرفته و شرح آن، بیرون از پرانتز نگارش یافته است اما متأسفانه، در عین حال که نام مؤلف در خطبه کتاب ذکر شده، آن را به ملاصالح برغانی (م ۱۲۸۳ق)، برادر شهید ثالث، نسبت داده است. ۳۲.

خوش بختانه در چاپ دوم این کتاب که به کوشش حاج محمد باقر کتابچی و با تصحیح و حواشی آقا سید ابراهیم میانجی در سال ۱۳۸۰ق، در چاپخانه اسلامیة تهران منتشر شده و آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی(ره) نیز بر آن مقدمه ای عالمانه نوشته است، این خطا برطرف گشته و نام شارح واقعی آن، بر کتاب گذارده شده است.

این شرح نفیس، همراه با ترجمه متن و ذکر شواهد، امثال، اشعار و وقایع تاریخی و اصول حکمی است و از شروح نیکوی نهج البلاغه به شمار می رود.

رحمت خدای بزرگ بر او و مقتدایانش

باد!

